



تشکیل حکومت دینی؛ مسیری در جهت تحقق جامعه آرمانی مهدوی

محقق مرکز تخصصی مهدویت گفت: تمدن حضرت ولی عصر(عج) از زمان هبوط آدم بر زمین شروع شده و تمام مناسبات و حسناتی که در تمام اعصار وجود داشته در جهت تحقق جامعه آرمانی مهدوی است.

محقق مرکز تخصصی مهدویت گفت: تمدن حضرت ولی عصر(عج) از زمان هبوط آدم بر زمین شروع شده و تمام مناسبات و حسناتی که در تمام اعصار وجود داشته در جهت تحقق جامعه آرمانی مهدوی است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه_مهدی مستقیمی: تبیین جایگاه تشکیل حکومت در عصر غیبت با توجه به رویکردهای وارده در قرآن کریم در باب استقرار و حاکمیت صالحان بر زمین و در عصر ظهور و نیز تحلیل پروسه دست یابی به مختصات تمدن نوین اسلامی و همچنین واکاوی راهکارهای پیاده سازی و بستر سازی برای توسعه و ترویج این مفهوم در جامعه، مقولاتی بودند که ما را بر آن داشتند تا گفتگویی با حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا فؤادیان، استاد حوزه و دانشگاه و محقق و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، ترتیب دهیم که ماحصل آن در ادامه از نظراتان می گذرد.

*استاد؛ قرآن کریم می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ اگر طبق این آیه شریفه، استخلاف و حاکمیت صالحان بر زمین در دوران حکومت حضرت ولی عصر(عج) قطعی و حتمی است، ایجاد حکومت و تشکیل دولت اسلامی در دوران غیبت چه وجهی دارد؟ اصولاً؛ لزوم تشکیل دولت اسلامی در عصر غیبت، بر چه مبانی ای قرار گرفته است؟

در این باب می بایست بیان کرد که تشکیل دولت و حکومت توسط انقلاب اسلامی و در عصر غیبت، زمینه ساز آن حکومت الهی و اسلامی وعده داده شده در قرآن کریم در باب عصر ظهور است. در باب آیه ۵۵ سوره مبارکه نور که می فرماید: «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ واژه ارض و زمین که در این آیه بکار رفته است و بر مبنای «الارض»؛ ابتدایی کلمه ارض، اینگونه تعبیر می شود که منظور، همه جهان و دنیای هستی است. در حال حاضر و عصر کنونی که عصر غیبت است، ما بنا نداریم در تمام هستی و جهان، حکومت دینی و اسلامی تشکیل دهیم. استخلاف عصر ظهور، در همه آفاق هستی اتفاق خواهد افتاد و این امر قطعی و حتمی خواهد بود. هم اینک و در حال حاضر می بینید که هر کشوری که می خواهد برای خود نقشه راه و مسیر و جهتی را مشخص نماید، اول به صورت آزمایشی و پایلوت در چند نقطه و منطقه این طرح را اجرا می نماید، سپس با تحقیق و کسب نقاط مهم و اثربخش و همچنین نقاط ضعف و کمبود، به بازسازی و پیرایش مجدد طرح و الگوی مورد نظر خود می پردازد و سپس آن طرح را در سراسر کشور اجرا می نمایند.

ما در مسیر رسیدن به یک حکومت عالی و غایی هستیم؛ آیا در این مسیر، ایجاد انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی، همان اسقرار حکومت و موقعیت حاکمیت صالحان بر زمین تبیین می شود؟ باید بیان کنیم که اساساً چنین ایده و تفکری در انقلاب اسلامی ایران وجود نداشته است که ادعا نماید همان تشکیل حکومت صالحان بر زمین را پیاده سازی می نماید. ما می خواهیم تلاش و کوشش نماییم به حد مقدور و در جهت توسعه و ترویج اندیشه های اسلامی، که با شکل گیری انقلاب اسلامی مجدد بازخواست و درخواست شده بود، بپردازیم. رسیدن به دستاوردها و خواسته های انقلاب اسلامی، به معنای قرار گرفتن در موقعیت حکومت حقیقی صالحان در عصر امامت حضرت ولی عصر(عج)، نیست. هیچ کسی در حکومت جمهوری اسلامی ادعا ندارد که ما توانسته ایم، تمام مشکلات و مصائب موجود را رفع و رجوع نماییم. این مسئله فقط در دولت کریمه حضرت ولی عصر(عج) به منصف ظهور خود خواهد رسید. حضرت امام(ره) در بیاناتی می فرمایند که «انقلاب اسلامی ایران، در مقیاس کوچکی از جامعه جهانی حضرت ولی عصر(عج) است».

رسیدن به دستاوردها و خواسته های انقلاب اسلامی، به معنای قرار گرفتن در موقعیت حکومت حقیقی صالحان در عصر امامت حضرت ولی عصر(عج)، نیست. هیچ کسی در حکومت جمهوری اسلامی ادعا ندارد که ما توانسته ایم، تمام مشکلات و مصائب موجود را رفع و رجوع نماییم.

بنابراین اگر می خواهیم در عصر غیبت که عصر تاریکی و خاموشی است، زندگی و حیات نماییم، نمی بایست تا طلوع آفتاب عالم تاب مهدوی صبر کنیم؛ درست است که قرآن کریم می فرماید: «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»؛ یعنی: صبح و روشنایی نزدیک است؛ ولی ما می توانیم همانگونه که منتظر طلوع عصر مهدوی هستیم، با فروختن یک چراغ و شمعی، مسیر زندگی و حیاطمان را روشن نماییم. انقلاب اسلامی در برابر انقلاب فراگیر و گسترده مهدوی، همانند یک

شمع است در برابر آفتاب فراگیر و عالمتاب جهانیان. این نهضت می خواهد با روشن نمودن اطراف خود، سبب شود زمانی که خورشید عالمتاب عالمیان، ظهور می نماید، جهانیان از این روشنایی و صراط نورانی استقبال کنند. انقلاب اسلامی می خواهد با روش و مشی خود، اصول برپا سازی و گسترش اندیشه مهدوی را در جهان فراهم نماید.

*آیا می توان مقوله تمدن سازی اسلامی و یا اسقرار تمدن نوین اسلامی را در جامعه، چارچوب و زمینه ای برای استقرار حکومت صالحان بر زمین در نظر گرفت یا اینکه این روش و منطق، عمل و فعلی خارج از مناسبات عصر استقرار حکومت صالحان بر زمین است؟

قطعاً رویکرد تمدن سازی اسلامی و ایجاد و نگرش حکومت صالحان بر زمین، در یک راستا و جهت هستند. به طور نمونه، می توان گفت که تمدن های بسیاری در جهان وجود داشته است، مانند؛ تمدن پارسی و کهن ایران و یا تمدن یونانی و غیره؛ این تمدن و فرهنگ ها که به صورت خلق الساعه ایجاد نشده اند، بلکه یک پروسه و نگرش بوده اند که بر اثر گذشت زمان و تحولات روز به روز، ایجاد شده اند. این تمدن ها، با سیر تکاملی و تحولی ای که سپری نموده اند، در پاره ای از مقاطع تاریخی، به امپراطوری های گسترده جهانی نیز مبدل شده اند. ما نیز برای اسلام و منویات غایی آن، یک تمدن و قالبی را قائل هستیم. در این باب باید بیان کرد که آیا زمانی که نبی مکرم اسلام(ص) مبعوث به رسالت شدند، وضعیت و موقعیت جهان اسلام اینگونه می بود؟ سالها حضرت رسول(ص) به تنهایی و همراه حضرت خدیجه(س) و حضرت امیر(ع) نماز می خواندند، سپس بعد از نزول آیه، «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»؛ تعداد و عادات و رسومات و احکام مسلمین، تغییر و دگرگونی یافت.

این پروسه از زمان حضرت رسول(ص) شروع شده است و هم اینک این تحولات ما را به دوران تمدن اسلامی رسانده است. تمدن مهدوی نیز همینگونه تعریف و تبیین می شود؛ تمدن حضرت ولی عصر(عج) از زمان هیوط حضرت آدم بر زمین شروع شده است. تمام مناسبات و حسناتی که در تمام اعصار و زمانها وجود داشته است، همگی در عصر ولایت و امامت حضرت ولی عصر(عج)، به منصف ظهور و بروز کامل می رسند و جنبه عملی و محقق می یابند. در بحث رجعت که بحث استقرار مجدد نیکان و پاکان جهان در دولت کریمه حضرت حجت (عج) است، مسلمین و شیعیان معتقد هستند که تمامی نخبگان و فرزندان و شایستگان جهان هستی، دوباره زندگی و حیات می یابند و در دولت کریمه حضرت حجت(عج)، به کار و کوشش می پردازند. این که معروف است در عصر ظهور، اصحاب کهف که در قرآن از آنها به نیکی یاد شده است، دوباره رجعت می نمایند به این علت است که، در یک دوره و زمانی، یک عده یکتا پرست و مؤحد بوده اند که در سایه حکومت الهی و معنوی قرار نگرفته بودند و به همین دلیل نیز نتوانسته بودند به تکامل دست یابند.

این افراد به علت وجود روح پاک و مقدسی که دارا بودند، در زمان حضرت حجت(عج) دوباره زنده می شوند و در کنار ایشان به امور و حیات می پردازند. در بحث جامعه شناسی رجعت، حکومتی که تمای نخبگان طول تاریخ را در دوران خود به منصف حیات و تلاش دوباره می گمارد، حکمت و عصر عظیم مهدوی، در آخرالزمان است. بنابراین تمدن عظیم مهدوی، تمدنی است که پایه های آن از زمان خلقت انسان، در حال استحکام و قوام یابی است و هر روزه و بنا به تحولات گوناگون، این پروسه و استخلاف، عظیم تر و پویا تر و مستحکم تر می گردد.

در بحث جامعه شناسی رجعت، حکومتی که تمای نخبگان طول تاریخ را در دوران خود به منصف حیات و تلاش دوباره می گمارد، حکمت و عصر عظیم مهدوی، در آخرالزمان است.

*با توجه به فرمایشات شما، بنابراین می توان رویکرد ایجاد تمدن نوین اسلامی را مدخل ورودی به استقرار حاکمیت صالحان بر جهان برشمرد؟

بلاشک همین گونه خواهد بود. باید گفت هر لحظه و دقیقه ای که از زندگی و حیات جهان می گذرد، دقایق و لحظاتی هستند که جوامع و انسانها را به زمان طلوع عصر مهدوی و گسترش تمدن نوین اسلامی رهنمون می سازند. ما نمی توانیم پدیده ای مانند انقلاب اسلامی را مقوله ای خارج از تناسبات سیاسی و اجتماعی ایران بدانیم؛ این انقلاب ریشه هایی در تاریخ، از زمان مشروطه تا مجاهدات های عالمان و مراجع بزرگ، مانند؛ میرزای شیرازی دارد. بنابراین هر مقوله و رویکردی نمی تواند بدون پشتوانه و عقبه صورت بگیرد و لاجرم می بایست از گذشته و تاریخ خود اثرپذیری داشته باشد. به طورنمونه مقام معظم رهبری(دامت برکاته)، زمانی که از ریشه های اساسی این نهضت و انقلاب یاد می نمایند معتقد هستند که، این انقلاب مرهون مجاهدت هایی است که در طول تاریخ به وقوع پیوسته و در عصر حاضر با همراهی ملت و امامت امام راحل(ره)، به منصف ظهور و بروز رسیده است.

از مرحوم آیت الله بهجت(ره)، تقریباً چند روزی مانده به رحلتشان جمله ای نقل شده است به این مضمون که ایشان

فرموده اند: بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) و موضوع سقیفه، چند نفر معدودی، در کنار اهل بیت(ع) ماندند و هسته مرکزی عالم تشیع از همان چند نفر شروع و منبعث شد؛ مجاهدت های شیعیان خاص در طول تاریخ، منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در این عصر و زمانه شده است. شما ببینید؛ افرادی که در شکل گیری این نهضت و انقلاب سهیم بوده اند؛ چه شهدای گرانقدر دفاع مقدس و شهدای والامقام هسته ای و مدافعین حرم، این افراد به تعبیری، نخبگان عالم تشیع در طول تاریخ بوده اند. در حال حاضر ما از آن هسته مرکزی و محدود شیعیان در زمان رحلت نبی مکرم اسلام(ص) و بعد از گذشت زمان ها و دوران های طولانی، توسط مخلصین و نیکان و صالحان جهان تشیع، این انقلاب و حکومت اسلامی را تشکیل داده ایم. باید بیان کرد، این مسیر و مشی، تا تحقق کامل دولت کریمه حضرت ولی عصر(عج) در عصر ظهور، محتاج رشادت ها و مجاهدت های خالصانه شیعیان خواهد بود.

*به نظر شما؛ مهمترین شاخصه ها و اصول اساسی، جهت نشر و گسترش و تکثیر، اندیشه و فرهنگ و تمدن مهدوی در جامعه حال حاضر، چه اصول و شاخصه هایی هستند؟ به نظر شما این پروسه را چگونه می بایست در بستر جامعه ساری و جاری نمود؟

یکی از مهمترین شاخصه ها در تبیین و نشر ارزش های اسلامی و مهدوی در جامعه، آداب رسوم زندگی اسلامی است در، ایجاد رویه صحیح سبک زندگی اسلامی و ایرانی. در سبک زندگی، ما نیازمند یک سری لوازم و اصول هستیم که ما را از زندگی و منش و تفکر ناصحیح و نامعقول غربی جدا نماید. به طور نمونه در ماه مبارک رمضان، سفارش شده است که در ساعات سحر، دعای شریفه ابوحزمه ثمالی قرائت شود؛ انصافاً با این سبک و منش زندگی ای که در حال حاضر در جریان است، چه کسی می تواند این رویکرد را در ادای ادعیه و سفارشات وارده، انجام دهد؟ اگر کسی قرار باشد تا پاسی از شب، به بیداری در کنار وسایل ارتباط جمعی مانند؛ تلویزیون و ماهواره و امثال ذالک، مشغول باشد، چگونه خواهد توانست به عبادت و تهجد بپردازد. به همین منظور از فضیلت و برکت و معنویت این ماه مبارک دورمی شود.

بنابراین می بایست اهتمام داشته باشیم برای ایجاد تمدن صحیح اسلامی و مهدوی در جامعه، می باید سبک زندگی اسلامی را که، دارای چارچوب های مشخص و خاص در همه زمینه ها، اعم از مسائل عبادی و خانوادگی گرفته تا مسائل سیاسی و اجتماعی و هنری است را، اجرا و پیاده سازی نماییم. در سبک زندگی اسلامی، تمام آداب رفتاری، حتی نوع پوشش و ظاهر افراد تا مسائل معیشتی وی در نظر گرفته شده است. نکته دیگر در این پروسه، تقابل این سبک ها در برابر یکدیگر است. ما می بایست به این نکته اعتقاد و التزام داشته باشیم که یک حق و باطل و یک خیر و شر و یک صحیح و ناصحیحی در جهان وجود دارد؛ ما می بایست به تقابل و رویارویی عقل و جهل معتقد باشیم. در دنیا یک مسیر الهی و یک مسیر شیطانی وجود دارد و این حب و بغض و صراط ایمان از یکدیگر جدا هستند. باید گفت که این تقابل در تمامی اعصار تاریخی وجود داشته است و ما هر چه بیشتر به دوران ظهور و طلوع عصر تمدن نوین مهدوی، نزدیک می شویم، این تقابلات و هجمه های جهان شرعلیه جهان ایمان و صلاح، بیشتر خواهد شد. باید بیان کرد در این پروسه، ما نیازمند یک جهاد اکبر هستیم.

جهاد و تلاش جامعه اسلامی این است که امت اسلامی، می بایست درمسیر دست یابی به آن نهضت سترگ الهی و انسانی، تمام سعی و توان خود را بکار گیرند تا آن شالله بتوانیم تالو آن دوران عظیم را دریافت نماییم. مرحوم آیت الله بهجت(ره) مکرراً سفارش و تأکید داشتند که اگر می خواهید در مبارزه با نفس پیروز شوید، کتاب جهاد با نفس مرحوم شیخ حرعاملی(ره) را بخوانید. در ابتدای این کتاب و در حدیث شریفی نقل شده است که، پیامبر اکرم(ص) در مواجهه با مؤمنانی که از جهاد با کفار باز می گشتند فرمودند: که شما اکنون از جهاد اصغر فارغ شده اید و اکنون نیازمند جهاد اکبر هستید؛ پیامبر (ص) فرمودند: «ما مرجحاً بقوم قضا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر، فقيل: لا، يا رسول الله! ما الجهاد الاكبر؟»؛ قال: «الجهاد النفس»؛ ما در زمان جنگ تحمیلی، تقریباً با تمامی دنیا که در برابر نظام اسلامی ایستاده بودند، جهاد و نبرد کردیم و در حال حاضر با این شبیخون های عظیم رسانه ای و فرهنگی و سیاسی و خانوادگی، محتاج یک جهاد اکبر هستیم تا بتوانیم این توطئه ها و دسیسه های فرهنگی و غیر الهی را از دامن جامعه اسلامی، پاک نماییم.

در قرآن کریم آمده است: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛ در واقع رسیدن به دوران عصر تمدنی مهدوی، چون با پایان سیطره طواغیت در دنیا مقارن است، بنابراین این معاندین و گمراهان، تمام سعی و توان خود را بکار خواهند بست تا در مقابل این نهضت و فرهنگ عظیم بایستند که البته با پدیدارشدن آن جامعه آرمانی، به حق، تمامی این رویدادها، از بین خواهند رفت. بنابراین نکته مهم در این پروسه این است که، ما در حوزه فردی و خانوادگی و اجتماعی، نیازمند جهادی اکبر هستیم. باید گفت: جهاد و تلاش جامعه اسلامی این است که امت اسلامی، می بایست درمسیر دست یابی به آن نهضت سترگ الهی و انسانی، تمام سعی و توان خود را بکار گیرند تا آن شالله بتوانیم تالو آن دوران عظیم را دریافت نماییم.